

پیام ملت

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۶۷ شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ ۴ صفحه - ۱۵ ریال

روز جهانی کارگر، روز لهستان

جنبش کارگری لهستان نقطه عطفی بر تاریخ مبارزات کارگری

تجربه تاریخی قرار گرفت که اتحاد و همبستگی کشورها و هرگونه تعاون و همکاری بین المللی باید بر اساس اصل حاکمیت و آزادی مردم کشورها در تعیین سرنوشت خویش و شرکت داوطلبانه آنها صورت گیرد نه بشکل مکانیکی و تحمیلی، و بالاخره این حقیقت روشن شد دولتهائی که در درون چنین سیستمی بر سرکار می آیند از پایگاه نوده ای استواری برخوردار نخواهند بود و دیر یا زود دیوار تردید و سوختن و عدم اعتماد بین دولت و مردم فاصله خواهد افتاد. ریشه های جدائی حزب کمونیست لهستان از مردم و خاصه طبقه کارگر بقیه در صفحه ۳

کارگران جهان در شرائطی، پیشواز برپائی نودویکمین سال جشن اول ماه مه میروند که هنوز تب و تاب ناشی از ادامه بحران لهستان بر بسیاری از رویدادهای دیگر سایه انداخته و مردم دنیا را در برابر این پرسش قرار داده است که سرانجام چه خواهد شد؟ رویدادهای لهستان یکبار دیگر نشان داد که شکل و بیهوده ای از حاکمیت کشورها که بعلت مناسبات خاص شوروی یا همسایگان او در اروپای باختری بعد از جنگ عالمگیر دوم پدید آمد و میتواند به "حاکمیت محدود" تعبیر شود به مزاج کشورهای کوچک این منطقه سازگار نیست و جهان سوسیالیسم بار دیگر در مسیر این

ناامنی و هرج و مرج در حال افزایش و توسعه است

کشتار مخالفان سیاسی و انفجار بمب

عمده این ناامنی ها و حوادث را بروی خود تکیا آوردند و از کنار آن میگذرند و روزنامه ها نیز بعلت سانسور و جو اختناق از انتشار حوادث و رویدادها خودداری میکنند. در آنچه

ناامنی و هرج و مرج در همه زمینها و در سطح کشور در مقامات مسئول و دولتی قسمت استاد شیخ علی تهرانی:

خرید و فروش

اطلاعات و کیهان

حرام است

صفحه ۲

درد دل يك سرباز

آقای نخست وزیر من سربازم و ظنم رادوست

دارم و برای «آب و خاک» جنگ میکنم

درد فراوان به شهیدان راه وطن، شاید این نوع

برادر ۵۶ میلیون دلاری در بازار اسلحه

یا در معامله با قاچاقچیان بین المللی

معنی و مفهوم امپریالیسم از قدرت طلبی سرمایه داران و شرکت های صنعتی حاصل میگردد که میخواهند با زیر سلطه آوردن ملت ها، تولیدات خود را با قیمت های دلخواه به این مردم بفروش برسانند. در میان این شرکت ها که

کارگر کفش ملی:

آقایان! ما خواب نیستیم

چه کسانی نمایندگان ما را دستگیر کردند؟

عظیمی سخن میگویم که یکی از بزرگترین و فعالترین بخشهای صنعتی این کشور در دهه اخیر بوده است. از گروه صنعتی ملی با شصت و اندی شرکت تولیدی، فروش خدماتی و بیش از دوازده هزار کارگر

در عصری که نیل به آزادی های فردی و اجتماعی آرزوی هر ایرانی وطن پرست و جان برکف این روزیوم است و در زمانی که "دولت مردان" فعلی شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را بعنوان حفاظی برای اقدامات خود سرانه خوددیدک میکنند اثرات سه اصل بنیادی و اعتقادی فوق که خون انقلاب ملی ایران بوده هست نه بتدریج، بلکه بیکباره به کناری گذاشته شده و عوامل دستچین شده "مکشی" آنجان بکنی بر بیگر این آزادی و استقلال و جمهوری میگویند که امکان بازسازی این بیکر زخمی را به کلی از خاطرها می ربایند. آری ای ایرانی شرافتمندی که بخاطر کشورت کشته می شوی و باز تو را لعن و نفرین میکنند که چرا بخاطر "ایران" جنگیدی! این حقیر ملتگرا از زبان تو و از درون اجتماع کارگری

۱۲ اردیبهشت

روز معلم گرامی باد

۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ برای طبقه معلم و محصل و دانشجو روزیست مقدس و فراموش نشدنی، روزیست که این سه قشر فعال باحماست سایر طبقات مردم می رفتند که طومار سلطه جویی و استبداد محمدرضائیان را در هم بیچند در آرزوی معلمین که از ظلم و ستم دستگاه جبار پهلوی بیش از هر طبقه دیگر زیر بار زور خرد می شدند و با خفا آنکه فرزندان شان در خیابانها

اعلامیه جبهه ملی ایران

در بزرگداشت اول ماه مه

روز جهانی کارگر

کارگران و

زحمتمکشان جهان

متحد شوید

کارگران و زحمتمکشان ایران

برای حفظ استقلال میهن و آزادی

ملت و سازندگی کشور بپاخیزید

اول ماه مه روز کارگران جهان بر همه کارگران و زحمتمکشان گرامی باد.

اول ماه مه یادآور قهرمانی های کارگران و زحمتمکشان سراسر کینی و زنده کننده خاطره مبارزات این طبقه پیشرو برای دستیابی به حقوق و منافع مردم محروم جهان است. همبستگی کارگران جهان، در کنار همبستگی ملل محروم و ستمدیده، بزرگترین نیروی مقاومت را در برابر تجاوز امپریالیسم جهانی و توطئه های سرمایه داری بین المللی برای ادامه سلطه خویش و اندی ساختن استعمار طبقاتی بوجود می آورد.

کارگران میهن ما که بخشی از زحمتمکشان ملت ایران را تشکیل میدهند در عین توجه به مسئولیتهای طبقاتی در برخورد با مسائل جهانی باید خود را آماده کنند تا وظایفی را که از جهت ملی و در محدوده جغرافیائی میهن ما برعهده آنان محول است صمیمانه و با تمام وجود انجام دهند. در گذشته حوادث سیاسی و حکومت های استبدادی وابسته به استعمار جهانی اجازه ندادند که همه کارگران ایران و سایر زحمتمکشان میهن ما به توفیق و منافع طبقاتی خود آگاهی های لازم پیدا کنند و در جهت شکل برای ایفاء رسالتی که تکامل تاریخی جامعه ما برای آنان قائل است به پیش بروند.

ار یکسوچ نمایان وابسته، با عرضه تئوریهای وارداتی که نامتناسب با مقتضیات اجتماعی کشور ما بود و با تبلیغات غیرواقعی و قضاوت های انحرافی کوشش کردند کارگران و زحمتمکشان ملت ما را به وسیله های در جهت اجرای برنامه های سیاسی و آزادیهای نسبی امکان فعالیتهای اجتماعی را فراهم کرده بود از ناآگاهی های اجتماعی که آنهم راننده حکومت های دیکتاتوری رژیم پهلوی بود سوء استفاده کردند و در هر موقعی نیروهای کوچکی را که در میان طبقه کارگر در اختیار گرفته بودند در مسیر بندوبست های سیاسی بکار بردند. بندوبست های جبه نمایان وابسته، چنانکه حقایق تاریخی گویای آنست، علیرغم تبلیغات ظاهری در همه موارد بر ضد مصالح ملت و منافع مردم محروم و زحمتمکشان و در عمل نتایج هیت حاکمه وابسته به امپریالیسم غرب تمام شده است.

از سوئی دیگر عوامل هیئت حاکمه وابسته به کشورهای بزرگ استعماری غرب که حدود شصت سال تمام با نوسل به روش های استبدادی و از طریق ظلم و ستم و خفقان و اختناق علیه ملت محروم ما به حکومت نشستند جنبش اصل کارگری میهن ما را سرکوب کردند و با رسوخ در گروه های معدودی از عناصر ضعیف و فرصت طلب کارگری سعی داشتند کارگران میهن ما را به صورت پوششی برای صحنه سازیهای مردم فریب و نقشه های ضد ملی خود در آورند. در این مدت هیچ اقدام جدی و واقعی برای تامین حداقل زندگی کارگران و زحمتمکشان ملت ما انجام نگرفت بلکه با شدت تمام و انجام مراقبت های کامل از ایجاد آگاهی در بین کارگران و زحمتمکشان جلوگیری بعمل می آمد.

ولی امروز بر اثر انقلاب بزرگ و سقوط رژیم استبدادی و وابسته پهلوی و علیرغم توطئه های قشر انحصارگر که میخواهد کشور ما را به مرحله دیگری از استبداد و خفقان فرورد، ملت ایران شخصیت خود را بازیافته است و کارگران بعنوان یک طبقه پیشرو باید آگاهیهای لازم را دریابند و در مبارزات بزرگ ملی در جهت تامین حقوق و منافع مردم محروم میهن ما فعالانه شرکت نمایند. بقیه از صفحه ۴

برای نجات ایران و مبارزه با استبداد و وابستگی همه سازمانهای سیاسی و اجتماعی مترقی و آزادیخواه باید متحد شوند و مردم را متشکل کنند

روز جهانی کارگر، روز لهستان

بقیه از صفحه اول

را باید از زمانی پیدا کرد که در سال ۱۹۲۶ حزب کمونیست لهستان تحت فشار کمترین اسلانی از کودتای بیلسوسکی پشتیبانی کرد و همین امر سبب شد که نفوذ حزب بیزان زیادی کاهش پیدا کرده و از طبقه کارگر منزوی بماند. این انزوا در چند سال بعد با اطاعت بی چون و چرای حزب از اسلانی و اخراج عناصر معتدل و کسانی که از ائتلاف کمونیستها و سوسیال دموکراتها بر علیه فاشیسم پشتیبانی میکردند بیشتر شد بعدا نیز که در اثر تهاجم فاشیسم به آلمان کادر رهبری حزب کمونیست لهستان به مسکو فرار کردند بدستور اسلانی همگی آنها اعدام شدند. بعد از اشغال لهستان وسیله ارتش شوروی در جنگ دوم بوروکراتهای حزب کمونیست لهستان که مطیع محض کرمین بودند وسیله ارتش سرخ بر مسند قدرت گذاشته شدند اما بنا بر آنچه که گذشت نتوانستند از یک پایگاه مردمی قابل ملاحظه برخوردار شوند. در ۱۹۵۶ با اعتصاب کارگران "بزنان" اولین گام در راه صدور شناسنامه جنبش مستقل کارگری و نفی رژیم حاکم برداشته شد بی آمد این واقعه سرکوب اعتصاب، کشتار کارگران وسیله حکومت "اوشاب" و سرانجام سقوط "اوشاب" و روی کار آمدن "کومولکا" بود. "کومولکا" نیز در ۱۹۷۰ در اثر شورش و اعتصاب ساقط شد و جای او را "کیرک" گرفت. اعتصابات در ۱۹۷۶ باردیگر تکرار میشود اما این بار روشنفکران آزادیخواه نیز پای به صحنه می گذارند و ضمن تشکیل کمیته دفاع از حقوق کارگران (KOR) با کارگران پیشرو نوده زحمتکشان جبهه متحدی را تشکیل میدهند. "کیرک" از کردار اعتصابات ۱۹۷۶ نجات پیدا میکند ولی در ۱۹۸۰ مجددا گرفتار میشود زیرا علیرغم تجارب گذشته رهبران لهستان مرتکب اشتباهات فراوان میشوند که ارجله نتایج این اشتباهات عقب ماندگی کشاورزی، انکاء فوق العاده لهستان به خواربار خارجی (هشت میلیون تن غله وارداتی در سال) و مقروض شدن این کشور به بانکهای کشورهای دیگر بهمیرانی مسجوز از بیست و پنج میلیارد دلار است که برای بازپرداخت اقساط و بهره آنها سالانه بیش از شش میلیارد دلار از خزانه کشور خارج میشود و همین بدهی سالانه معادل نمایی درآمد حاصل از صدور ذغال سنگ یعنی مهمترین ذخیره ملی لهستان است.

حاصل این جریانها آن بود که بیکانگی حزب کمونیست و کارگران تبدیل به بیزاری و نفرت شده جنبش موسوم به همیستی نولد شود و علیرغم تمام جنگ و دندان نشان دادنهای مسکو در حمایت از دست نشانندگان خود و تعویض چند دبیر حزب کمونیست و نخست وزیر رشد کند. در کنار این مطالب باید عوامل دیگری را نیز در نظر داشت از جمله (۱) ملت لهستان در طول تاریخ خود مصائب زیاد ناشی از تجاوزات متعدد خارجی را متحمل شده و مرزهایش مرتباً در حال تغییر بوده است، بارها بین کشورهای دیگر و از جمله بین روسها و آلمانها تقسیم شده و گاهی نیز بکلی از نقشه محو شده است. این تجاوزات سبب تقویت ناسیونالیسم در لهستان شده که مانند ناسیونالیسم در هر ملت مظلوم دیگری خصلت دفاعی دارد نه تجاوزی بر اساس استقلال طلبی و آزادیخواهی مبتنی است ناینکه عده ای برونند و فورا آنرا با راسیسم آمریکائی و شوونیسم روسی و فاشیسم هیتلری مقایسه کنند! و یا آنرا مغایر سوسیالیسم و همیستی کارگری و تعاون بین المللی بدانند (۲) لهستانها کاتولیک هستند و بین ارتدکس روس و پروتستان آلمان قرار گرفته اند و به همین علت این وجه افتراق بیش از آنچه رنگ مذهبی داشته باشد هویت ملی پیدا کرده است (۳) و به همین جهت در رابطه با کلیسا نیز که نقش مهمی در لهستان ایفاء میکند رژیم لهستان با انتخاب یک باب لهستانی ضربه بزرگی متحمل شد و این یک پیروزی برای ناسیونالیسم لهستانی بود (۴) تسلیم "کیرک" در جریان اعتصابات سال ۱۹۷۶ نیز یکی از عوامل زمینه ساز حوادث اخیر است. در آن شورش بعد از آنکه چهل کشته و دهها زخمی در کدانسک برجای ماند "کیرک" ناچار شد که سلاح قلع و قمع مخالفان را بر زمین گذاشته و آزادیهای در زمینه های محدود به مخالفان بدهد. کسب این پیروزی مخالفان را تشویق و ترغیب به کسب پیروزیهای بزرگتری نمود (۵) و بالاخره بر میگردیم به مطلب اصلی که عصیان لهستان واکنش طبیعی در برابر تحمیل زور و فشار و جوان روزگار ما سرچشمه نمیکرد اگر راهی سفر در اعصار گذشته و قرون وسطی و جدید شویم و کاوشگران راستین بویندگی و جویندگی باشیم خواهیم دید که همواره منادیان زور و قلدری سرانجام با رایب طغیان و برخاش برخورد دارند و خشم نوقنده ای که به تلاشی بساط و در نور دیدن طومار حبا نشان انجام میدهد است. اگر رابطه اتحاد شوروی و همسایگان اروپای شرقی او را نیز در نظر بگیریم خواهیم دید که بیکایک حکومت این کشورها بدنیال فتوحات ارتش سرخ در پایان جنگ عالمگیر دوم یعنی هنگامیکه این کشورها در اشغال نظامی شوروی بود روی کار آمدند و قدرت را بدست گرفتند این حکومتها تنها از پشتیبانی نیروی نظامی داخلی که در قبضه انحصاری آنانست استفاده نمی کنند بلکه بر نیروی نظامی شوروی نیز تکیه دارند. به استثناء بلغارستان که در مورد این کشور نیز بایستی انتظار حوادث مشابهی را داشت رومای نوابسته است تا حدی سیاست خود را مستقل کند و از این جهت نیز تاکنون بدور از هیجان و نا آرامی بوده

برادر ۵۶ میلیون دلاری در بازار اسلحه

بقیه از صفحه اول

کشورهای پیشرفته جهان دو گروه عمده در مقابل هم صف بستند - در یکطرف این شرکت های غارتگر و در راس آنها اسلحه سازان و اسلحه فروشان و در طرف دیگر مردمان زحمتکش و آزادیخواهان برخی از روشنفکران روی در روی یکدیگر دارند اسلحه فروشان، دنیا را بر آشوب و خونریزی و جنکنده میخوانند - کینه ها و تعصب های ملی و قومی و مذهبی را بر میانگیزانند و دشمنی های تازه و کهنه را جلا میدهند. روشنفکران و آزادیخواهان ندای صلح و برابری سر میدهند و در تسکین اختلافات میکوشند. مبارزه این دو گروه برای

در اختیار گرفتن سکان دولت و کشتی حکومت، تعادل ناپایداری در مدیریت جوامع صنعتی برقرار کرده است. دولت ها، زیر تهدید و تطمیع اسلحه فروشان و فشار و مبارزه آزادیخواهان ناچارند ضوابط قاعده ای را برای هر اقدام حتی برای جنگ و خونریزی و اسلحه فروشی مراعات کنند. در مقامیسه بین معاملات دولتهای امپریالیستی و قاچاقچیان اسلحه که دلالتان سرمایه داران سلاحهای جنگی هستند میتوان گفت معاملاتی که توسط دولتها انجام میشود لاقول تحت نوعی نظارت بوده و به ضوابط مقید است در حالیکه دلالتان سرمایه داران اسلحه سازان و قاچاقچیان دیگر کشورها در حریفشان نمیروند مبادا بدنام شوند در حالیکه مامورین دولتی همان کشورها کوشش دارند از سیا و دستگاههای اطلاعاتی فاصله بگیرند. مکتیبون را بنگرید که میترسند با دولت آمریکا تماس مستقیم بگیرند اما چه بیباک و نترس و غافل در خلونگاه اسلحه فروشان غنوده اند.

شرکت های اسلحه سازی و دلالتان اسلحه فروش آنچنانند که ماموران سیا و دستگاههای اطلاعاتی دیگر کشورها در حریفشان نمیروند مبادا بدنام شوند در حالیکه مامورین دولتی همان کشورها کوشش دارند از سیا و دستگاههای اطلاعاتی فاصله بگیرند. مکتیبون را بنگرید که میترسند با دولت آمریکا تماس مستقیم بگیرند اما چه بیباک و نترس و غافل در خلونگاه اسلحه فروشان غنوده اند.

واکنش هیئت حاکمه انحصارگر کشور ما در برخورد با این فاجعه آشکار مسائلی است که باید بندریج مورد ارزیابی قرار گیرد. در دنیای دیپلماسی تاکنون سابقه نداشته که دولتی مشتری قاچاقچیان است و وارد معامله قاچاق شده است اگر اینکارها راهم کرده اند بطور رسمی آنرا برعهده نگرفته اند. معلوم نیست با این همه مسئولین اجرائی خوشبختان که از هنر سفسطه هم سررشته دارند و با توجه به رهنمود اخیر امام به مقامات و صاحب اقتداران مملکتی که هریک را موظف به رعایت حدود مسئولیت خود ساخته است، چگونه است که رئیس دیوان کشور، که یک مقام قضائی است در این جرم قطعی - بدون انجام مراسم قضائی اظهار عقیده میکند و همراه سایر مسئولان مملکتی بطور رسمی شرکت در یک معامله قاچاق بین المللی را ناثید میکند. هرگاه یک قاضی - قبل از رسیدگی در ساره جرم و جنایتی به اظهار عقیده و پیش داوری پرداخت حق قضاوت و دخالت و صلاحیت اقدام خود را در آن امر از دست میدهد.

آقای رئیس دیوان کشور با این اظهار عقیده، خود به تبع خود دیوان عالی کشور و کل دستگاه قضائی را (با آن هنگام که ایشان این سمت را دارند) درگیر قضاوت قضائی نسبت به یک پرونده مهم و قبل از رسیدگی بر طبق موازین قضائی کرده اند و با ناثید معامله قاچاق حیثیت و آبروی یک کشور را در محافل بین المللی در معرض خطر قرار داده اند.

ببینید وقتی مسئولیت دستگاه قضائی به سیاستمداران و گردانندگان و سردمداران قوه اجرائی مملکت سپرده میشود عدالت چگونه نابدید میگردد!

فرمان رهبر بزرگ ملت ایران و ایرمرد تاریخ دکتر محمد مصدق روز اول ماه مه روز عید کارگران و تعطیل رسمی اعلام شود رهبر نهضت ملی ایران خطابهای ایراد نمودند. اکنون وظیفه همه کارگران مبارز و آگاه است که در مراسم روز اول ماه مدشرکت نمایند و این روز بزرگ را هرچه باشکوه تر گرامی بدارند.

پاینده ایران بیروز باد اتحاد و همیستی کارگران و زحمتکشان ایران محمد علی بهنیا - عضو سازمان کارگران جبهه ملی

درد دل يك سرباز

بقیه از صفحه اول
داوطلب سربازی شدم و خود را گرفتار کردم بعد بکمرته بیاد دوست همسنگر شهید مسیحیم افتادم که در واپسین لحظات زندگی اش گفت: "من جام را فدای وطن کردم تا اگر منجاوز شناخته شد تنگم دشمن را بیرون براندد تنگم را زمین نگذارد نه هرگز من را زمین نگذارد".
من بعنوان یک سرباز به آقای نخست وزیر میگویم هرگز نفتم را بر زمین نمیگذارم اگر سرباز خارجی در وطن باشد و باشد که منجاوز شناخته شود. آقای نخست وزیر میخواهم که موجب سد نفوذ دشمن شده اند آنچه که بدل دارم در این حالت عصی، عصی هوشیارتر و سایر رزمندگان به دفاع از از هزار بیداری بگویم کوشش منم برانگیخته شده اند از تنگم را بر زمین نخواهم گذاشت میهن عزیز دفاع نمایند تا یک سرباز اجنبی در وطن

در حالیکه کارگر ایرانی بیکار است چرا کارگران خارجی مشغول کار هستند

پس از دوسال و اندی که از انقلاب میگذرد هنوز فواین ضد کارگری رژیم گذشته در وزارت کار حکم میکند. هنوز دست اندرکاران در رویا زندگی میکنند و واقعیت های جامعه را لمس نمی کنند و در اطفاهای درسند سرنوشت میلیونها کارگر را رقم میزنند. هنوز برای کارگران بخش خصوصی کاری نگرداند. هنوز هیچ فکر و برنامهای در جهت رفع بیکاری که ندارند هیچ نا سهل انگاری هایی که میکنند بیشتر باعث بیکاری کارگران میشوند. در حالی که میلیونها کارگر ایرانی بیکار و درمانده است در بخش عظیمی از صنعت و ساختمان کارگران خارجی مشغول کار هستند که آنها بعضی با مجوز برخی بدون مجوز مشغول کار می باشد. خروج ارزی که این کارگران به کشورهاشان میفرسند برای دولتی که بد صرفه جوئی نظامی میکند مهم نیست. بکند وزارت کار و با دولت فکر میکنند که اخراج آنها بوجب از دست دادن حمایت دولتهای دوست میشود و یا ناسد سرمایه داران و کارفرمایان فکر میکنند اینها هم حرف شو هستند و اعتصاب هم نمیکند پس مطمئن تر میباشدند و یا شاید نار هم ایران برای همه بهشت است جز ایرانی.

اگر غیر از اینهاست؟! دولت باید هرچه رود بر کارگران ایرانی را جایگزین این کارگران هندی - سکلادشی - افغانی - پاکستانی - فیلیپینی و غیره بکند و برای کارفرمایان خلاف کار جریمدای در نظر بگیرد - سازهم با شما کارگران سخن داریم.

اعتصامی فر - کارگر

است. لهستان مجارستان، آلمان شرقی و چکوسلواکی در خلال سی سال اخیر بدفعات و بیش و کم اعتراضات و اعتصابات و شورشهایی را بخود دیده اند. وضع استثنائی کشور یوگوسلاوی که با آرامش قرین بوده است این نظر را بیشتر ثابت میسازد زیرا "نینو" زامدار فقید یوگوسلاوی قدرتش را مدیون ارتش شوروی نمیدانست بل وی حکومت و قدرت خود را بعنوان رهبر جنگجویان ملی که با آلمانها درحال نبرد بودند مستقر ساخت و کشور وی هیچگاه به اشغال نظامی شوروی در نیامد. لازم نیست که حتما روش استفرائی را مبنای این بازیابی و مقدمات معلوم را پایه رسیدن به نتایج مجهول قرار دهیم. کنترل و فشار ضد کنترل و ضد فشار را پدید میآورد و این در تبعیت از یک اصلی دیالکتیکی است و چون فواره ای است که چون بلند شود سرنگون گردد. گویا آخرین کشور آمریکای لاتین بود که از زیر سلطه اسپانیا کربخت و مستقل شد و به همین دلیل تحمل فشار بیش از دیگران اولین کشور آمریکای لاتین بود که زنجیر استعمار غرب را پاره کرد. و بنا بر همین استدلال دور نیست که بلغارستان را دلیل وابستگی و بیوستگی بیش از سایر ممالک اروپای شرقی در آینده بیش از همسایگانش کانون آشوب و طغیان شود.

جنبش کارگری لهستان نآطور که امپریالیسم غرب به جهت بهره برداری عنوان میکند نتیجه رویکردانی از سوی کرمین دست نشانگان و عوامل و کارگزارانش عنوان میشود حاصل "تحریک امپریالیزم" و "ضد انقلاب" اعتصابیون و رهبران شان صریحا و بارها اعلام داشته اند که "علیه سرشت و بنیان حکومت سوسیالیستی دست بداعتصاب نبرده اند" یعنی در واقع موضوع بر سر سوسیالیزم نیست بلکه فرموده را قبول ندارد. نظری به خواسته های بیست و یک ماده ای کارگران که در ناسان گذاشته مطرح شد گواه این مدعی است. مهم ترین خواست کارگران یعنی ماده یک موافقت نامه ناظر بر ایجاد سدیکاهای کارگری مستقل از حزب و "کارفرما" است سدیکائی که "نماینده واقعی طبقه کارگر باشد" و "از منافع اجتماعی و مادی کارگران دفاع کند" از سوی دیگر جنبش کارگری لهستان نمیتواند ناشی از تحریک امپریالیزم و ضد انقلاب باشد! جنبش مبرور یک جنبش اصیل ملی کارگری است که از بطن جامعه لهستان نشات گرفته است و این علائقی نیست که امپریالیزم اتحادیه همیستی را که اینک در سراسر لهستان کسرتش یافته و اعضاء آن اینک به یازده میلیون نفر رسیده اند فریب دهد و آتهم مردمی را که از یک سطح بالای فرهنگ و شعور اجتماعی و دانش و بینش سیاسی بهره مندند!

جنبش کارگری لهستان اینک به جامعه کشاورزان نیز سرایت کرده و قشرهای وسیعی از کشاورزان را فرا گرفته است بخش عمده ای از اعضاء حزب کمونیست نیز به همیستی پیوسته اند. بعد از اغتشاشات و اعتصاباتی که گاه و بیکاه آرامش شرق اروپا را بهم زده است و بعد از یک سلسله رویدادها در چکوسلواکی که بنام "بهار پراگ" شهرت یافت. وقایع ناسان لهستان منشاء یک تحول وسیع و موجب کنهتضت گسترده و سراسری کارگری شده است و جا دارد که روز جهانی کارگر اسامال را روز لهستان بنامیم. حال برای مردم دنیا این برش مطرح میشود که آیا "بهار" پراگ و "ناسان" لهستان مقدمه "خزان" قدرت جهانی کشور همیسه خزان خواهد بود یا نه؟

آینده به این برش پاسخ خواهد داد. هرمان فرهنگ

اول ماه مه روز کارگران گرامی باد

بود و پنج سال قبل در معادن ذغال سنگ شهر شیکاگو شرایط وحشتناک کار (بردگی) که بیش از ۱۶ ساعت در روز بود جان کارگران را به لب آورده بود. دستمزدی که از این رنج طاقت فرسا دریافت میکردند حتی نمی از مخارج بخور و نمیز خانواده کارگران را تامین نمیکرد در چنین شرایط هولناکی. پس از اعتراضات بسیار که آروزها بی نتیجه مانده بود متوجه شدند که تنها با اتحاد می توانند احقاق حق نموده و زنجیر اسارت را پاره نمایند این بود که اول ماه مه ۱۸۸۶ کار خود را تعطیل نموده برای رسیدن بحق خود اعتصاب کردند و دست به نظاهرات زدند.

ولی پلیس دزخیم سرمایه داران. وحشیانه بدکارگران حمله و تعداد کثیری از آن زحمتکشان را به خاک و خون کشیدند و صدها نفر را مجروح و عده ای از رهبران آنان را دستگیر و در یک دادگاه قلابی و فرمایشی به جوجه مرگ سپردند این ترازدی غم انگیز باعث شد کارگران جهان که عمیقا متأثر شده بودند همه ساله به یاد آتروز دست به نظاهرات برتند و یاد آتروز را گرامی بدارند و دولتهای دست نشانده رژیم قبلی ایران هرگز این روز تاریخی کارگران را برسمیت نشناختند بودند - تا اینکه در سال ۱۳۳۱ به

صاحب‌امتیاز: دکتر مهدی آذر
مدیرمسئول: اصغر پارسی
نشانی: خیابان کارگر، نزدیک میدان انقلاب
(که فعلا در اشغال عناصر "شاساس" است)
ارباب: تهران - صندوق پستی شماره ۵۴-۱۶۹

اعلامیه جبهه ملی ایران

بقیه از صفحه اول

جبهه ملی ایران براساس ایدئولوژی ملی و مترقی خود معتقد است که حقوق و منافع مردم محرومی که امروز در سرزمین ایران و بعنوان ملت ایران یک واحد جغرافیایی را تشکیل میدهند و در طول قرون منمادی یک ملت واحد را با سنن و آداب و رسوم و تمدن و مذهب خاص خود بوجود آورده‌اند جز از راه قطع هرگونه وابستگی نامین نخواهد کرد و برای قطع هرگونه وابستگی به کشورهای بزرگ صنعتی باید حاکمیت واقعی مردم برقرار شود و مفهوم استقلال و آزادی معنای واقعی تحقق یابد.

ما بدین دلیل آزادی و استقلال را دو مفهوم تفکیک‌ناپذیر و جدانشدنی به شمار می‌آوریم که در اوضاع و احوال امروز دنیا و بانوجه به قدرت کشورهای بزرگ صنعتی و استعماری در کشوری مانند کشور ما هیچ حکومت استبدادی نمیتواند بوجود آید و با دوام کند مگر آنکه به یک یا چند کشور بزرگ متکی و وابسته باشد. حکومت استبدادی یعنی حکومتی که برزور مردم مسلط است و رعایت حقوق و آزادیهای ملت را نمیکند و از طرف اکثریت مردم بطور آگاهانه و در شرایط قانونی و انسانی حمایت نمیشود نمیتواند برای مدت طولانی بر نیروهای داخلی جامعه تکیه کند و بدون شک برای ادامه حیات خود در اختیار نیروهای سلطه‌گر بین‌المللی قرار میگیرد. آزادی در بیان افکار و عقاید، آزادی برای مشارکت در تعیین حکومت و اداره کشور و نظارت دائمی در امور مملکت از طرف ملت ضامن اصلی برقراری حاکمیت ملی در برابر وابستگی به بیگانه است.

ما معتقدیم کسانی که پیشرفت کشور را نمیکنند در جهت وابستگی به کشورهای بیگانه و استعماری قدم برمیدارند.

ما معتقدیم کسانی که آزادی را تحریف میکنند و به مسخره میگیرند آنها نیز در خدمت وابستگی قرار دارند. همه کسانی که آزادی اندیشه و بیان، آزادی قلم و مطبوعات، آزادی احزاب و دستجات، آزادی اجتماعات و نظاهرات، آزادی انتخابات و بالاخره آزادی در انتخاب سرنوشت خویش را که برای حاکمیت مردم یک سرزمین بر سر نوشت خود ضرورت تام دارد انگ بورژوازیال میزنند و به آزادی در سرمایه‌داری و استثمار تعبیر میکنند و با درمیان مردم متعصب و مذهبی بعنوان آزادی در فسق و فجور و لهب و لعب جوامع غربی تبلیغ میکنند در واقع مردم را از حقیقت آزادیهای سیاسی و حقوق اجتماعی دور و منحرف کرده و زمینه‌ساز حکومت فردی هستند و جاده را برای استبداد سیاه یعنی وابستگی به امپریالیسم جهانی آماده میکنند و موفقیت چنین روشی ملت ما را همچنان بعنوان یک ملت مصرف‌کننده اسیر دست تولیدکنندگان صنعتی جهان باقی نگه خواهد داشت.

جبهه ملی ایران براساس ایدئولوژی ملی و مترقی خود معتقد است که عدم وابستگی (یعنی استقلال کشور و آزادی ملت) عملی نخواهد گردید مگر با رشد و توسعه و پیشرفت جامعه ما در کلیه شئون. و اساس رشد و توسعه و پیشرفت جامعه ایران صنعتی شدن کشور بمنظور افزایش تولیدات و رفع نیازهای جامعه از طریق تولیدات ملی و بی‌نیازی از کشورهای خارجی در مسائل مربوط به اساس زندگی و ادامه حیات ملت میباشد.

ما از اینرو ایدئولوژی جبهه ملی را با کلمات ملی و مترقی مشخص میکنیم که نشان دهنده ایدئولوژی جبهه ملی نه بصورت یک ایدئولوژی وارداتی بلکه بمعنای یک ایدئولوژی منطبق با شرایط و مقتضیات حاکم بر جامعه ایران با تمام مشخصات و خصوصیات خود و نه بصورت یک ایدئولوژی برای دریند کشیدن مردم از راه محدودیت فکری و تحمیل عقب‌ماندگی بر آنان بلکه بعنوان مبانی فکری و اجتماعی در جهت پیشرفت و رشد و توسعه جامعه ایران تدوین شده است.

از اینرو طبقه کارگر ایران که اکنون بخش کوچکی از مردم زحمتکش و محروم کشور ما را تشکیل میدهند در صورت اجرای برنامه‌های توسعه و رشد و پیشرفت بر مبنای یک ایدئولوژی ملی و مترقی بصورت قوی‌ترین و مشکل‌ترین طبقه اجتماعی ایران درخواهد آمد و بخش عمده‌ای از ظرفیت انسانی جامعه ما را دربر خواهد گرفت.

جبهه ملی ایران براساس ایدئولوژی ملی و مترقی خود معتقد است که صنعتی شدن کشور باید به ترتیبی مورد عمل قرار گیرد که در ایجاد صنعت جدید

آقایان! ما خواب نیستیم

خط ماست! و مواجه بنا بی‌اعتنائی کامل و نیز اغتشاش عوامل مکتبی که امروزه بصورت نخود آش در هر کجا یافت میشوند تصمیم به اعتصاب کارخانه‌ها را تعطیل کرده و به تولید لطمه‌زنند بلکه اعتراضی که شعور اقتصادی آنها را نشان میداد و آن نیز فقط و فقط اعتصاب نمایندگان کارگران (از هر شرکت یک نماینده) در مقابل ساختمان چرم رخشان در محوطه مجتمع گروه صنعتی ملی واقع در اسمعیل‌آباد جاده قدیم کرج بود. با شروع اعتصاب، نماینده داستانی و عضو هیئت مدیره جدید دستور به ترک اعتصاب میدهد و هنگامی که همانگونه که انتظار میرفت جواب منفی شنید دستور توقیف نمایندگان را صادر کرد! آنهم نه در روز روشن و در برابر دیدگان دوازده هزار کارگری که به نحوی به این دولت امید بسته بودند، بلکه در ساعتی که کارگران خسته از کار در کنار فرزندان خود در خواب بودند، در دل شب، زمانی که حتی نمایندگان اعتصابی نیز روی آسفالت سرد محوطه خوابیده بودند پاسداران مکتبی به‌این گروه چهل، پنجاه نفری "خرابکار و ضد انقلاب!" شیعخون زنده‌دوهمه را دستگیر کردند و بردند. آری، این است مفهوم آزادی! و اگر از هیئت‌مدیره جدید و مکتبی و بسیار دل‌سوز شرح این مآوقع را جویا شوی میگویند: "ای آقا، اعتصاب غیرقانونی بود چند نفری هم بیشتر نبودند!!" و از مسئله میگردند چون خود از گندی که به بار آورده‌اند بیشتر خبر دارند و بدینسان اعتصاب نمایندگان دوازده‌هزار کارگر باین آسانی لجن‌مال میشود. این است مفهوم آزادی.

از هیئت‌مدیره جدید و مکتبی بگویم. این هیئت مرکب از آقایان مکتبی و جوانی است که اکثرا برای اولین بار در چنین ستمی فعالیت میکنند و در نتیجه بعلت عدم آشنائی با کار، نگوئیم عدم لیاقت در مدیریت، امکان جولان افراد مکتبی و وابسته به حزب حاکم افزونی یافته و این‌تنها طبقه سرمایه‌دار بوجود نیاید و همچنین تمرکز سرمایه در دست دولت و تسلط و نظارت دولت در تولیدات کشور به نحوی نباشد که طبقه سرمایه‌داری دولتی جایگزین سرمایه‌داری بخش خصوصی گردد.

از اینرو در تنظیم برنامه‌های رشد و توسعه و پیشرفت و در امر سرمایه‌گذاری و اداره تولیدات ملی باید اجزای عدالت اجتماعی در نظر گرفته شود و صنعتی شدن کشور بر مبنای جلوگیری از اعمال زور در روابط اجتماعی و در جهت حذف استثمار در مجموعه روابط اجتماعی و اقتصادی انجام گیرد.

در صورتیکه طبقه کارگر با آگاهی‌های لازم اجتماعی توسعه یافته و متشکل شود و روشنفکران و کارشناسان و استادان نیز در این جهات بخدمت گرفته شوند طبقه کارگر و سایر زحمت‌کشان ایران نقش اساسی را در سازندگی جامعه مترقی ایران برعهده خواهند گرفت.

رقابیت و سربلندی مردم ما در گرو آزادی و استقلال و پیشرفت یعنی حاکمیت ملی و عدم وابستگی و رشد و توسعه است.

ما مطمئن داریم که کارگران ایران همراه همه قشرهای محروم و زحمتکش ملت ایران این رسالت را بانجام خواهند رساند.

با تحریم روزنامه‌های اطلاعات و کیهان در برابر تبلیغات استبداد خشن و خفقان تابود کننده مقابله کنیم

نگارها

خروج از بایگانی!

درست یکی دو روز بعد از مصاحبه برادر بهزاد نبوی سخنگوی دولت مکتبی! که فرمودند: "جبهه ملی یک جریان منتفی شده و بایگانی شده است و جز رهبران آن کسی طرفدار آن نیست...". میبینیم از این طرف و آن طرف شکایت است از دست این رهبران بی‌طرفدار، و حتی کار روزنامه این جریان "بایگانی شده" به هیئت سدفره حل اختلاف رسیده است!

ما فقط از این در حیرتیم که این جریان منتفی شده و بی‌طرفدار و روزنامه بی‌خواننده چه احتیاج به این همه تهدید و شکایت و بررسی دارد؟

شبهات!

در سال ۱۳۵۶ هنگامیکه اولین اجتماع بزرگ صدرزیم شاه از طرف جبهه ملی در روز عید قربان در کاروانسراستکی برگزار میشد چندین اتوبوس از ماموران ساواک و نظامیانی که به لباس شخصی درآمده بودند با چوب و چماق به اجتماع‌کنندگان حمله کردند و عده زیادی را مضرور و مجروح نمودند در آن هنگام دستک‌های تبلیغاتی رژیم و رادیو تلویزیون دولتی اعلام کردند که چون در آن اجتماع شعارهای ضدملی! داده میشده عده‌ای از کارگرانی که از کارخانه‌های خود باز میگشته‌اند و احساسات شاهدوستی آنها جریحه‌دار شده‌بوده به اجتماع‌کنندگان حمله کرده‌اند!! روز دوشنبه گذشته هم که راهپیمائی آرام مجاهدین خلق با حمله چماق‌داران و سپس ماموران کمیته به اغتشاش و مضرور و مجروح و کشته‌شدن عده‌ای منجر گردید رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی اعلام کرد که چون شعارهایی ضد اسلامی و برعلیه شخصیت‌های مورد احترام مردم داده میشده مردمی که از کارهای خود برمگشته‌اند با راهپیمایان بزورخورد پرداختند و ماموران کمیته بعدا برای حفظ نظم دخالت نموده‌اند!! و لابد تیراندازیها و گازهای اشک‌آور و کشتن‌ها هم برای حفظ نظم بوده است!

یک بام و دو هوا!

چگونه است که هروقت رهبران حزب حاکم یا درحقیقت همان اولیای امور! اراده کنند مردم را بهر بهانه‌ای به راهپیمائی وامیدارند و برای هرچه بارونق‌تر کردن راهپیمائی خود که با همه تلاش‌هایشان اینروزها دیگر رونقی هم ندارد از رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های کثیرالانتشار گرفته تا اتوبوس‌های شرکت واحد و کارمندان کشوری و لشکری دولت بهره‌کامل میگیرند و کسی هم حق ندارد به آنها بالاتر از کل بگوید ولی اگر هر گروه و دسته دیگر بخواهد راهپیمائی کند شرایط جنگی و اجازه وزارت کشور مطرح میشود و بالاخره هم چماق‌دار و تیرانداز و گازاشک‌آورانداز بمیدان می‌آید؟

هوائی!

گفت: چندین نفر مجروح و کشته شده‌اند و بازهم میگویند تیراندازی هوائی بوده.

گفتم: تیراندازیها چنما هوائی است این تقصیر مردم است که در هوا راه میروند و تیر به آنها اصابت میکند!

دو عدد پرتقال بجای ویزیت!

پزشکی که از دوستان است میگفت شاید خیلی‌ها ندانند که خدمات درمانی برای ویزیت هر بیمار بیمه‌ای حدود ۱۳ تومان به پزشک پرداخت میکند آنهم بعد از مدت‌ها معطلی و رفت و آمد. و با توجه باینکه قیمت پرتقال هرکیلوئی ۳۰ تومان و گوشت کیلوئی ۸۰ تومان است ویزیت پزشکان طرف قرارداد با بیمه حدود قیمت ۱/۵ پرتقال متوسطا یک یک سیر و نیم گوشت آبکوشنی است! اگر بیماران بیمه‌ای بعضی آن دفترچه بیمه فقط دوعدد پرتقال یا دوسیر گوشت کوسفندی بعنوان ویزیت بما بدهند راضی‌تر هستیم تا این نرخ ویزیت سمه!!

رابطه نوع لباس و مجازات

در خبرها آمده‌بود که دو نفر یکی در کسوت روحانی و دیگری با لباس مردم کوچه و بازار را که جرم سناهی در دو شهر مختلف مرتکب شده بودند در دادگاه شرع محاکمه کرده‌اولی را به شلاق و زندان و دیگری را به اعدام محکوم کرده‌اند از آنجائیکه در جمهوری اسلامی قرار است محکوم افراد در مقابل قانون مساوی باشند برما معلوم نشد علت تخفیف در مجازات اولی نسبت به دومی چه بوده است؟ آیا بخاطر اختلاف در شهرهای محل وقوع جرم بوده؟ و یا بعلت اختلاف در نوع لباس مجرمین؟ و یا اینکه تفاوت نحوه عمل باعث تخفیف در مجازات روحانی‌نمای غیرمحرّم گردیده است کدامیک؟